■ سال بیست‌وششم ■ شماره ۷۴۴۱ ■ شنبه ■ ۲۲ شهریور ۱۳۹۹

ایران

صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی
مدیرمسئول: مهدی شفیعی
سردبیر: جواد دلیری

تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی / نشانی: تهران خیابان خرمشهر،شماره ۲۰۸
صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ / امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰
چاپ: شرکت چاپ جام‌جم / سازمان چاپ و انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی
سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
تهران خیابان خرمشهر شماره ۱۶ / پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)
انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲
http://irannewspaper.ir

اذان ظهر ۱۳/۰۰ | اذان مغرب ۱۹/۳۳ | نیمه شب شرعی ۰۰/۱۸ | اذان صبح فردا ۵/۲۱ | طلوع آفتاب فردا ۶/۴۶

سخن روز

امام حسین (ع):
پروردگارا! آن که تو را نیافت، چه یافت و آن که تو را یافت، چه از دست داد؟
(بحارالانوار، ج ۹۵ ص ۲۲۶ ح ۳)

به کرونا مبتلا شدم و نمی‌توانم به جشنواره ونیز بروم



بابک کریمی: زمانی که محصل بودم برای اولین بار به این جشنواره رفتم و با کار تصویربرداری کنفرانس‌های مطبوعاتی وارد تشکیلات ونیز شدم. بعدها که پای سینمای ایران به ونیز باز شد، همراه گروه سازنده فیلم‌های ایرانی بودم که در جشنواره حاضر می‌شدند. مثل کیارستمی و نادری و جلیلی و پناهی و... و من که کار خودم را هم در سینما شروع کرده بودم، به عنوان یک سینماگر دوزبانه بهترین فرد برای همراهی آن‌ها در بخش‌های مختلف جشنواره‌ای بودم که مثل کف دست آن را می‌شناختم. من جشنواره ونیز را از زمانی که ردیف اول سالن می‌نشستم تا زمانی که به بهترین جایگاه و بالکن سالن راه پیدا کردم، تجربه کرده‌ام و حتی به عنوان مشاور جشنواره در کمیته انتخاب هم فعالیت داشتم و حالا با مرور تمام این لحظات عجیب است که درست در زمانی که می‌توانستم یک بازگشت خوب سینمایی به ونیز داشته باشم، گرفتار کرونا شدم.

بخشی از گفت‌وگوی این بازیگر با خبرنگار ایسنا

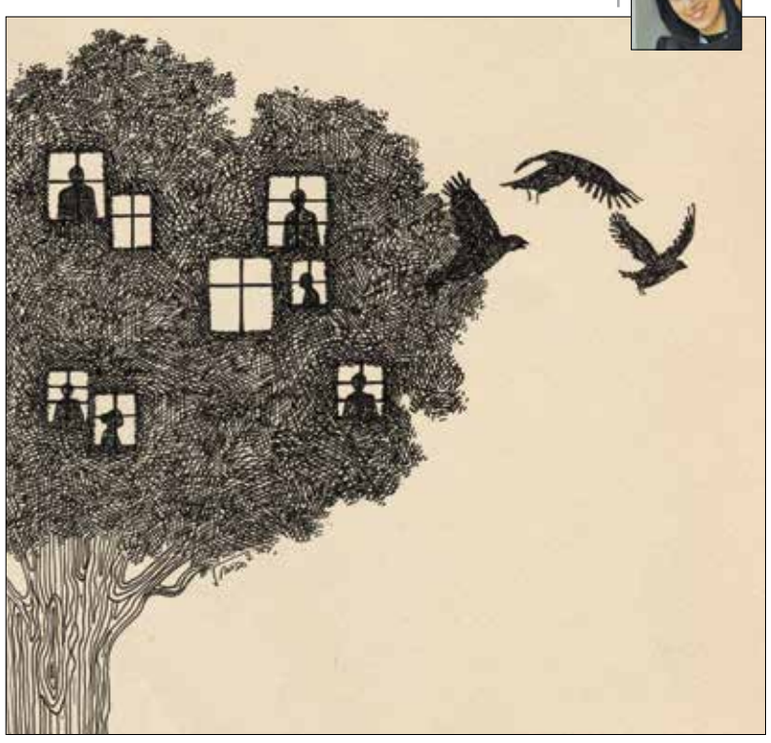


گیاهخواری صرفاً زیستی نمادین نیست. همچنین تلاشی برای منزوی ساختن خود از واقعیت‌های زشت جهان هم نیست، که خود را بدون مسئولیتی در قبال ستم و کشتار سرتاسر جهان پاکیزه نگاه داریم. گیاهخواری گامی علمی و کارآمد است که با انتخاب آن می‌توان هم به کشتن حیوانات خاتمه داد و هم به وارد ساختن رنج به آنها.

آزادی حیوانات
پیتر سینگر
بهنام خداپناه
نشر ققنوس

نـــگاره
پریسا نوراللهی

تصرف محیط زیست توسط انسان ها



هنرمندانی که در روز ملی سینما جایشان خالی بود

یادداشت



ابوالحسن داوودی
فیلمساز

این ابتدایی‌ترین نیاز سینمای ایران است که در این ایام اضطرار، روز ملی سینما از حالت عنوان اسمی در گوشه‌ای از تقویم شکل پویاتری به‌خود بگیرد و حداقل بتواند دراین ماه، به‌عنوان روزی که مظهر سینمای ایران است، نام وشأن سینمای ایران را بر سر زبان‌ها بیندازد. البته این کار مستلزم پیگیری بیشتر بخش مدیریت صنفی و دولتی سینما است. این بخش با در نظر گرفتن تمهیداتی می‌تواند این روز را حتی در شرایطی که بیماری جامعه را فرا گرفته به یادماندنی کند. البته سال‌های گذشته همزمان با روز ملی سینما جشن سینما هم برگزار می‌شد که خود آن جشن یادآور چنین روزی بود. به‌نظرم این اتفاق باید ادامه پیدا کند. هر چند که شکل‌اش به‌دلیل شرایط حاکم بر دنیا تغییر کرده است ولی همین جشن مجازی (جشن شامگاه روز جمعه) هم با کمی خلاقیت بخش مدیریت صنفی و کمک گرفتن از توان همه اصناف موجود در خانه سینما و بخصوص چهره‌هایی که می‌توانند در این زمینه کمک کنند، می‌توانست خیلی جذاب‌تر از قبل برپا شود و این روز را زنده نگاه دارد.

با توجه به اینکه در فضای مجازی ارتباط‌ها، سریع‌تر و گسترده‌تر صورت می‌گیرد هیچ خبری از برپایی چنین جشنی نبود. این در حالی است که در مراسم بزرگی چون اسکار و یا جشنواره‌های رده الف از ماه‌ها قبل مخاطبان از طرق مختلف در جریان چگونگی برگزاری آن هستند. شخصاً سینما برای من مهم‌ترین رؤیای زندگی است. رؤیایی که زندگی حرفه‌ایم را دگرگون کرد. سینمای ما چهره‌های زیادی داشته است. بخصوص نسلی که برای همه خاطره‌های جذابی به یاد گذاشته است. متأسفانه از چنین چهره‌هایی در زمان فعالیت‌شان قدردانی نمی‌شود یا هیچگاه شرایطی که باید مطرح شوند ایجاد نمی‌شود، یا هیچگاه زمینه‌سازی برای مطرح شدن آنها مهیا نمی‌شود به همین دلیل جایگزین کردن برای هنرمندانی که در حال حاضر در قید حیات نیستند باید صبر کنیم تا سال‌های آینده... ولی در حال حاضر اگر بخواهیم به شکل شفاف جایگزینی برای آقای کشاورز انتظامی، رشیدی... انتخاب کنیم، کار بسیار سختی است.

و حالا که روز ملی سینماست جای خالی این هنرمندان بیش از پیش احساس می‌شود.

سلبریتی‌های پاپاراتزی!

یکی از هزار تا



پیام فروتن
طراح و استادیار دانشگاه تهران

ظاهراً کرونا، دورکاری و بیکاری باعث شده تا حواشی زرد و ابلهانه پیرامون سلبریتی‌ها بیش از هر زمان دیگر در فضاهای مجازی خودنمایی کنند. یک روز خبر ازدواج آن یک و دیگری و طلاق زودرس آنها دیده می‌شود؛ روز دیگر شایعه تغییر جنسیت یک بازیگر معروف از راه می‌رسد. یک روز فیلم جیغ زدن یک بازیگر در خودرویش پخش می‌شود و روز دیگر تهدید یک بازیگر نسبت به دیگری و فرستادن او به جایی که عرب نی انداخته! صرف نظر از برخی حواشی که توسط عده‌ای دیگر برای برخی سلبریتی‌های بی حاشیه ساخته می‌شود؛ به احتمال زیاد، بسیاری از آنها ساخته و پرداخته خود آنهاست!

در ژورنالیسم غربی واژه‌ای به نام پاپاراتزی وجود دارد. پاپاراتزی به عکاسانی گفته می‌شود که کارشان تهیه عکس‌های مخفی و بعضاً خصوصی از چهره‌های سرشناس، بویژه سلبریتی‌ها و فروش این تصاویر به نشریات مختلف است. در این گونه ممالک یکی از چالش‌ها و درگیری‌های بزرگ بازیگران و سلبریتی‌ها با این قبیل عکاسان ناخوانده است. در همین رابطه جانی دپ، اظهار داشته است: «زمانی که پاپاراتزی‌ها به سمت من و دوستانم هجوم می‌آورند و پشت سر هم از من عکس می‌گیرند، حس می‌کنم که مورد تجاوز قرار گرفته‌ام. از تمام عکاسان متنفرم.» یا کایرا نایتلی، دیگر بازیگر مشهور هالیوود گفته است: «زمانی که مجبور هستم در مراسم فرش قرمز شرکت کنم، حس این را دارم قرار است وارد جزیره آدم‌خورها شوم و با کلیک و فلاش عکس قسمتی از روحم کنده می‌شود. خیلی دوست داشتم که یک شنل نامرئی داشتم و براحتی در این مراسم شرکت می‌کردم.» حتی می‌توان به درگیری فیزیکی راسل کرو با یکی از همین دست عکاسان اشاره کرد که کار او را به دادگاه کشاند.

اما در مملکت ما اوضاع به شیوه دیگری رقم می‌خورد. در ایران بسیاری از سلبریتی‌ها، خودشان پاپاراتزی‌های خودشان هستند! اینکه فیلمی خصوصی از یک سلبریتی منتشر شود، آیا جز این است که خود این فیلم را تهیه کرده و در فضای مجازی پخش کرده است؟! و بعد در مقام انکار و تهدید به شکایت و شکایت کشی برای جذب فالوورهای بیشتر. یا تصویری از زبان درازی و شکلک درآوردن برخی سلبریتی‌ها در یک قاب! از آن جالب‌تر غرهای سلبریتی‌هایی است که اظهار می‌دارند به زندگی شخصی ما کاری نداشته باشید! این در حالی است که زندگی شخصی آنها همواره در ویترین صفحات عمومی مجازی آنها قرار دارد و شاید از این گونه حاشیه‌سازی‌ها نیز بدشان نیاید.

بدین ترتیب اگر بسیاری از سلبریتی‌های غربی از تبعات شهرت می‌گریزند، برخی سلبریتی‌های ایرانی حتی به بهای بدنامی، برای خود شهرت بیشتر می‌خرند. جل الخالق!

پیام نویسنده مشهور انگلیسی برای کودکان جهان

کودکانه



محمدرضا شمس
نویسنده کودک و نوجوان

«دیوید آلموند» یکی از چند نویسنده انگلیسی برتر در حوزه کتاب های کودک و نوجوان است که البته آوازه ای جهانی هم دارد؛ او که موفق به دریافت جایزه «هانس کریستین اندرسن» شده صاحب آثار متعددی ست که منتقدان ادبی بر هر یک نقدهای ستایش آمیزی نوشته اند. از این نویسنده در کشور خودمان هم آثار متعددی ترجمه شده و رمان «پسری که با پیراناها شنا کرد» یکی از آنهاست. این رمان که به ترجمه «ریحانه جعفری» و با همراهی نشر «هوپا» منتشر شده درباره پسربچه‌ای‌ست که کاری شگفت آور انجام می دهد و با پیراناها شنا می کند. پیراناها از انواع ماهی های مهاجم و خطرناکی هستند که کافی است فردی در معرض حمله آنها قرار بگیرد تا در زمان کوتاهی تکه تکه شود و پسربچه این داستان با وجود سن و سال کمی که دارد به سیرک می‌رود و شجاعانه چنین کاری انجام می‌دهد. رمان همزمان با ماجرای اصلی، داستان های فرعی دیگری هم دارد که همگی به پیشبرد آن کمک می کنند، هر چند که پیام مشترک اغلب شان این است که :«خودت را باور کن، تو می توانی. اگر تلاش کنی به خواسته ات می رسی و ... » نکته قابل توجه در این کتاب به نوع روایت آلموند بازمی گردد که طوری ماجراها به تصویر کشیده شده که حتی خواننده را در پیش بردن روند داستان شریک می کند، گویی که خواننده همراه با نویسنده جلو می رود. از سوی دیگر، آلموند در این اثر به بچه‌ها شجاعت و مواجهه اصولی با خطر را یاد می دهد. فداکاری و عشق والدین به بچه ها هم مورد دیگری است که درباره اش می خوانند، شخصیت اصلی این داستان پدر و مادر ندارد و همراه با عمه و شوهرش زندگی می کند که البته آنان هم عاشق او هستند. سبک نوشتار و نوع روایتی که به کار برده نه‌تنها برای مخاطبان کودک و نوجوان جذاب است بلکه حتی می تواند درسی برای نویسندگان جوان خودمان باشد.



■ **پسری که با پیراناها شنا کرد**
■ **نویسنده: دیوید آلموند**
■ **مترجم: ریحانه جعفری**
■ **نشر:هوپا**

#کتاب_ریاضی

هشتگ

تعییراتی که امسال در جلد کتاب ریاضی سوم دبستان ایجاد شده جنجالی شد. اعتراض‌ها به حذف نقاشی دختران از جلد کتاب بود و باعث شد وزیر آموزش و پرورش در پاسخ به این اعتراض‌ها در توئیتر بنویسد: «تغییرات در کتاب‌های درسی همه ساله براساس ارزیابی و از سوی مؤلفان انجام می‌شود. به رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی مأموریت دادم تغییرات در شکل و محتوای کتاب‌های درسی را با حساسیت کامل رصد، اصلاح و گزارش کند. به دغدغه های مردم اهمیت می‌دهم. دختران میهن شایسته احترامند.» با وجود این توضیح، دیروز هم نوشتن درباره این مسأله ادامه داشت و در مقابل کاربرانی به اینکه روی جلد بعضی



کتاب‌های درسی فقط تصویر دختران قرار دارد اعتراض می‌کردند: «حالا که درباره حذف دختران از کتاب درسی وا نمی‌دهید، برای جبران موضوع بیایید به شورای شهر فشار بیاورید که خیابانی به نام مریم میرزاخانی کنند. مگر افتخارات این دختر برای خانواده‌اش بوده که دلشان نمی‌خواهد این کار انجام شود؟!»، «آموزش و پرورش باید پاسخگو باشه برای ایجاد دوقطبی روبه‌روی هم! حذف تصویر قرآن از یک کتاب و برانگیختن قشر مذهبی از یک طرف و حذف تصویر دختران از روی جلد کتاب و برانگیختن قشر مخالف دیوارکشی از طرف دیگه.»، «در برخی کتاب‌های مدارس فقط عکس دختران است. کتاب‌ها از جمله کتاب‌های مقاطع دوم و سوم دبستان خاص دختران یا پسران نیست که فقط تصویر یک جنس در آن باشد؛ برای پسران دانش‌آموز هم سؤال است چرا فقط تصاویر دختر روی جلد کتاب آنها است و...»، «واسه خواهرزاده‌ام که سوم دبستانه چطوری توضیح بدم چرا دخترا رو از روی کتاب ریاضی‌شون حذف کردن؟»، «داستان کتاب درسی فقط به جلد کتاب ختم نمی‌شود، محتوا هم بشدت مشکل داره، از اهل فن شنیده‌ام اشعار قوی کتاب ادبیات فارسی دبیرستان را حذف کردند و اشعار بسیار ضعیفی کار کرده اند (حتماً از دوستانشون بوده) و همین یکی از مشکلات کنکور امسال بوده.»، «من به جای اعتراض به انتقال دختران از جلد کتاب ریاضی به قرآن ترجیح میدم به اجرای سند ۲۰۳۰ و حذف عناصر دینی (قرآن، حجاب و...) اعتراض کنم!»، «این همه گفتین عکس دخترا از کتاب ریاضی حذف شده، دقت کردین که کتاب علوم سوم دبستان اصلاً عکس پسر نداره؟ تازه نقاشی هم نیست.»، «روی کتاب قرآن و هدیه‌های آسمانی و کلی دیگه از کتاب‌های دبستان، عکس پسرا از اول نبود. چیز مهمی نیست که سر و صدا کردن داشته باشه. طراحی و دیزاین داره به سمت مختصر کردن و نمادین کردن پیش می‌ره.»، «در ایران تصاویر دختران را از جلد کتاب ریاضی حذف می‌کنند و در دنیا داستان مریم میرزاخانی نخستین زن برنده مدال فیلدز معروف به نوبل ریاضیات را کتاب می‌کنند.»، «پاک کردن دخترا از روی جلد کتاب یعنی پاک کردن نقش اصلی زندگی همه آدما. واقعاً با چه منطقی؟»، «حالا که بحث حذف عکس دختربچه‌ها از روی جلد کتاب ریاضی سوم دبستان داغه اینم بگم که از نظر کتاب مطالعات اجتماعی کلاس چهارم جامعه از یه سری مرد و پسربچه تشکیل شده.»

شهروند مجازی
یگانه خدامی

روزت مبارک سینما

ماجرا

دیروز و همزمان با روز ملی سینما غیر از بازیگران و کارگردان‌ها و سینمایی‌ها که این روز را تبریک می‌گفتند کاربران علاقه‌مند به سینما از بهترین فیلم ایرانی که دیده‌اند و از جادوی سینما می‌نوشتند. دیروز نام فیلم‌های مطرح و خاطره انگیز سینمای ایران را در شبکه‌های اجتماعی زیاد می‌دیدیم: «من جادوی سینما رو تو چهارده سالگی با «شاید وقتی دیگر» بیضایی کشف کردم. هنوز یادمه چطور نفسم بند اومده بود و محو پرده جادو بودم.»، «من با «هامون» عاشق این پرده جادویی لعنتی شدم...»، «نمی‌دونم «بهترین» فیلمه یا نه ولی به نظرم «ایرانی‌ترین» فیلم «اجاره‌نشین»ها بود.»، «من فیلم‌های زیادی رو ندیدم، اما به نظرم فیلم «یک حبه قند»، به این دلیل که ظرافتی در نمایش فرهنگ خانوادگی ایرانی‌ها داره و بسیار زیباست.»، «چند هفته قبل هوس کردم یه فیلم ایرانی که دوست داشتم ببینم، فکر کردم برای دیدن دوباره کدوم دلم تنگ شده؟.....«نفس عمیق» پرویز شهبازی انتخابم بود.»، «فیلم «اجاره‌نشین‌ها» دقیق‌ترین توصیف از فرهنگ سنتی ایران و فرهنگ تجددخواهه. گرفتاری که از صد و خرده‌ای سال پیش شروع شده و ظاهراً تا ابد ادامه داره.»، «دریا که می‌روم محال است یاد «درباره الی» نیفتم و از جاده بیابانی که می‌گذرم، به «خیلی دور خیلی نزدیک» نیندیشم و بالا رفتن از پلکان شهری، «بودن یا نبودن» را پیش چشم نیاورد. زندگی ما سینمادوستان، پر از تداعی‌های سینمایی با واقعیت پیرامونی است. سینما، دنیای موازی ما است.»، «در روز ملی سینما عرض کنم که از جلو سینماها که رد می‌شی انگار خاک مرده پاشیدن روش! چراغش خاموش شده. درسته که کرونا یه سری محدودیت ایجاد کرد، اما سوءمدیریت‌های فعلی هم کمک کرده به این وضعیت ناامید کننده. هفته بود ۵ روزش رو سینما می‌رفتیم. الان فیلمی هم نیست که آدم رغبت کنه ببینه.»، «مواد لازم برای تهیه فیلم سینمایی در ایران: -جاده شمال و ماشین شاسی بلند، - ویلای لوکس، -یکسری دوست با مقداری روابط به‌ظاهر پیچیده، -کباب و زغال و خوندن یه آهنگ قدیمی به‌صورت دسته‌جمعی و - یک پایان باز که تماشاچیا از هم بپرسن: تموم شد؟!»، «امروز این دو تا رو می‌طلبه: ناصرالدین شاه، آکتور سینمای ایران و کلوز آپ!»، «سه فیلم از ایران در جشنواره ونیز حضور دارند اما تلویزیون در اخبارش فقط یکی از فیلم‌ها را معرفی کرد! به هر حال روز ملی سینما مبارک...»، «حداقل ذات فرهنگ و هنر و زیر سؤال نبرید با این فیلمایی که می‌سازید.»

به نام تاریخ

■ **۲۲ شهریور**

روز صد وهفتاد و هفتم از سال را با مرور آثار چهره‌هایی می‌گذرانیم که نام‌شان در تقویم با تولد یا درگذشت در ۲۲ شهریور ثبت شده است.

■ **تولدها**



میرزا عبدالله فراهانی: استاد موسیقی و نوازنده برجسته سه تار و تار سال ۱۲۲۲ در چنین روزی به دنیا آمد. میرزا عبدالله فراهانی از برادر و پسرعمویش نواختن سه تار و تار را یاد گرفت و به یکی از استادان بنام موسیقی معروف شد و چهره‌هایی مانند مهدی قلی هدایت، ابوالحسن صبا، فرصت شیرازی، اسماعیل قهرمانی از شاگردان او بودند. یکی از کارهای ماندگار او تجدیدنظر در دستگاه‌های موسیقی ملی ایران بود که با ادغام بعضی دستگاه‌ها ۷ دستگاه مجزا و کامل معرفی کرد. او همراه سه نفر از شاگردانش یعنی میرزانصیر، فرصت شیرازی و مهدی قلی هدایت در ۷ سال نت‌نویسی این دستگاه‌ها را انجام داد. ابتکار ساختن بعضی قطعات ضربی از اوست و کتاب «ردیف‌سازی موسیقی سنتی ایران» هم از او به جا مانده است. میرزاعبدالله سال ۱۲۹۷ درگذشت.



پارسا پیروزفر: بازیگر سینما و تئاتر امروز ۴۸ ساله می‌شود. پارسا پیروزفر رشته نقاشی را در دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران خواند، در دوران دانشگاه بازیگری تئاتر را آغاز کرد و سال ۷۳ با بازی در نقش کوتاهی در فیلم «پری» وارد سینما شد. پس از آن در آکادمی هنرهای نمایشی حمید سمندریان بازیگری را یاد گرفت و سال ۷۴ در نمایش «بینوایان» به کارگردانی بهروز غریب‌پور بازی کرد اما حضور رسمی اش در تئاتر با نمایش «بانو آئوبی» به کارگردانی بهرام بیضایی اتفاق افتاد. بازی در فیلم «ضیافت» و سریال «در پناه تو» در سال ۷۴ پیروزفر را مطرح کرد و پس از آن در فیلم‌هایی مانند «مرسدس»، «شیدا»، «اشک سرما»، «میهمان مامان»، «نقاب»، «اینجا بدون من» و «تی تی» و سریال‌های «در قلب من»، «سفر سبز» و «در چشم باد» او را دیدیم. پیروزفر در این سال‌ها در تئاتر هم حضوری فعال داشت و در نمایش‌های «هنر»، «گلن گری گلن گراس»، «خدای کشتار»، «سنگ در جیب هایش»، «یک روز تابستانی» و «ملاقات» بازی کرد. البته شاخص‌ترین اثر پیروزفر در تئاتر، نمایش «ماترویشکا» است که خودش براساس داستان‌های کوتاه آنتوان چخوف نوشت و به‌صورت تک نفره اجرا کرد و برایش تندیس زرین بهترین بازیگر مرد جشنواره تئاتر فجر را گرفت.



مجید درخشانی: آهنگساز و نوازنده تار و سه تار هم سال ۱۳۳۵ در چنین روزی متولد شد. مجید درخشانی از شاگردان محمدرضا لطفی و اعضای اولیه گروه شیدا بود که سال‌ها در زمینه موسیقی فعالیت داشت. حتی زمانی که به آلمان مهاجرت کرد آموزش و اجرای موسیقی ایرانی را ادامه داد و سال ۷۵ به‌عنوان آهنگساز و نوازنده تار آلبوم «در خیال» محمدرضا شجریان همکاری کرد. سال ۸۴ پس از ۲۱ سال به ایران بازگشت و گروه موسیقی «خورشید» را تأسیس کرد. درخشانی همراه این گروه ضمن اجرای کنسرت‌هایی در شهرها و کشورهای مختلف آلبوم‌هایی مانند «من طربم»، «بیدار دلان»، «فصل باران» و «ترنجستان» را منتشر کرد و در این سال‌ها همکاری با محمدرضا شجریان را در کنسرت‌ها و آلبوم‌های مختلف ادامه داد.

◄ سالروز تولد **پل واکر** بازیگر امریکایی، **حسام نواب صفوی** بازیگر، **امانوئل ملیک اصلانیان** نوازنده پیانو و آهنگساز، **حسن فدائیان** خواننده، **جی.بی. پرسیتلی** درام نویس انگلیسی، **محمد ایوبی** داستان نویس، **امیر پشنگ** شاعر، **مهسا چراغعلی** شاعر، **پژک صفری** شاعر و **مراد قلی پور** شاعر هم امروز است.

■ **درگذشت‌ها**



عطاءالله کاملی: دوبلور و گوینده سرشناس سال ۱۳۸۷ در چنین روزی درگذشت. عطاءالله کاملی متولد ۱۳۰۹ بود و کارش را در دوبله از سال ۱۳۲۵ آغاز کرد. او را با صحبت کردن به جای کرک داگلاس در فیلم «اسپارتاکوس» و «راه‌های افتخار» به یاد دارید ضمن اینکه کاملی مدیر دوبلاژ بسیاری از آثار شاخص مانند «لورنس عربستان»، «زنده باد زاپاتا»، «طولانی‌ترین روز»، «اسکیپی»، «کارآگاه کاستر» و «پوآرو» بود. صدای کاملی به جای سر بازرس جپ در مجموعه پوآرو و کارآگاه کاستر در مجموعه «کارآگاه کاستر» ماندگار شد.



جرمی برت: بازیگری که با نقش «شرلوک هولمز» شناخته می‌شود سال ۱۹۹۵ در چنین روزی درگذشت. جرمی برت سال ۱۹۳۳ به دنیا آمد و در مدرسه بازیگری گفتار و نمایش لندن، این هنر را یاد گرفت. در تئاتر در آثار زیادی از شکسپیر بازی کرد و سال ۱۹۵۶ با فیلم «جنگ و صلح» وارد سینما شد. اما اثر شاخص او در سینما فیلم «بانوی زیبای من» بود که سال ۱۹۶۴ ساخته شد. جرمی برت در طول ۴۰ سال فعالیتش در نقش‌های مختلفی بازی کرد اما بازی در نقش شرلوک هولمز در سال‌های ۱۹۸۴ تا ۱۹۹۴ اثری شاخص است.

◄ **رضا بیک ایمانوردی** بازیگر، **بیتا توکلی** بازیگر **تاجیک تبار** و **داریوش زرگری** نوازنده تنبک هم در چنین روزی درگذشتند.

عکس نوشت



در روز ملی سینما گنجینه هنری جمشید مشایخی در موزه سینما با جوایز، اسناد و یادگاری‌های او افتتاح شد. تندیس بهترین بازیگر مرد برای فیلم «پدربزرگ» از جشنواره پیونگ یانگ کره شمالی، جایزه بهترین بازیگر نقش اول مرد در سومین دوره جشنواره فیلم فجر برای فیلم کمال الملک، برگزیده چهره‌های ماندگار در سال ۱۳۸۵، تندیس شایستگی جشن خانه سینما به‌عنوان بهترین بازیگر مرد برای فیلم «بانوی من»، نشان عبدالحسین نوشین از یازدهمین جشن منتقدان و نویسندگان خانه تئاتر به مناسبت بزرگداشت جمشید مشایخی در سال ۱۳۹۱ و یادبود بزرگداشت حافظ در کاخ اکتشاف فرانسه در سال ۲۰۰۶ از جمله جوایز و یادگاری‌هایی هستند که از سوی فرزندش سام مشایخی در اختیار موزه سینما قرار گرفته است.